

"قهرمان سازی" از معتادان ممنوع

بنیاد تحول اجتماعی: مهدی شامحمدی تهیه‌کننده مستند «خونه مامان شکوه» که در شانزدهمین جشنواره سینما حقیقت حضور داشته و بیان‌کننده داستان یک کمپ اعتیاد خصوصی است، می‌گوید که تنها ۳ درصد از کسانی که برای ترک مواد مخدر اقدام می‌کنند، پاک می‌مانند و بقیه دوباره به این مسیر برمی‌گردند، اما بازنمایی رسانه‌ها، قهرمان‌سازی اشتباهی است.

او در گفتگویی که با خبرگزاری تسنیم داشته، "قهرمان سازی" از افرادی که ترک کردند را اشتباه عنوان کرده و گفته «این آدم‌ها استثنا اند و تنها 3 درصد از کسانی اند که برای ترک مواد مخدر اقدام می‌کنند!»

این در حالی است که به گفته این مستند ساز بیشتر مستند و فیلم‌های که در مورد اعتیاد ساخته می‌شود از افراد ترک کرده یک قهرمان می‌سازند. از جمله فیلم‌های که در سال‌های اخیر ساخته شده می‌توان به متری شیش و نیم، مغزهای کوچک زنگ زده، ابد و یک روز اشاره کرده که بیشترین مخاطب را داشته است.

در زیر گفتگویی که این خبرگزاری با آقای شامحمدی داشته است را می‌خوانید.

*یکی از سؤالاتی که پس از نخستین نمایش این فیلم مطرح شد، این بود که مستند "خونه مامان شکوه" بازنمایی از اعتیاد است یا دقیقاً منطبق بر حقیقت است؟

همانطور که می‌دانید "خونه مامان شکوه" یک مستند بلند 76 دقیقه است که موضوع آن اتفاقاتی است که برای دختران و نوجوان که به کمپ ترک اعتیاد خصوصی آمده‌اند، رخ می‌دهد. آنها به این کمپ آمدند تا از شر اعتیاد خلاص شوند. ما نمایش و اکران آنلاین در جشنواره سینما حقیقت نداشتیم و این مستند صرفاً برای نمایش‌های تخصصی و آسیب‌شناسی تولید شده و هدف آن نمایش عمومی نیست. دلیل این موضوع هم این است که در این فیلم تصویر واضحی از این دختران جوان می‌بینیم که طبیعتاً مخاطب عام نباید آن را ببیند.

به نظرم با پدیده‌ای مواجهیم که لازم است درباره آن زنگ هشدارها به صدا دربیاید. همانطور که می‌دانید درباره اعتیاد فیلم‌های زیادی ساخته شده است؛ در این بین، یک نکته به اشتباه بیان شده و آنهم قهرمان‌سازی از آدم‌هایی است که توانستند از شر اعتیاد خلاص بشوند. من می‌گویم که این آدم‌ها استثنا اند و تنها 3 درصد از کسانی اند که برای ترک مواد مخدر اقدام می‌کنند!

به عبارت دیگر فقط 3 درصد از معتادانی که برای ترک اقدام می‌کنند، موفق به ترک مواد مخدر می‌شوند، اما سینماگران، برنامه‌سازان تلویزیونی و حتی مقاله‌نویسان روزنامه‌ها به اشتباه این 3 درصد را پررنگ کردند. همین موضوع باعث شده تصویری که از اعتیاد در جامعه ایجاد می‌شود این‌گونه باشد که آن جوان با خود می‌گوید: «می‌روم معتاد می‌شوم و نهایتاً ترک می‌کنم و در آن زمان قهرمان هم می‌شوم!» ما متوجه این آمار تکان‌دهنده شدیم و فهمیدیم که آن 97 درصد یا درگیر اعتیاد می‌ماند یا سر از جاهای وحشتناک درمی‌آورند و در پایان جان خود را از دست می‌دهند.

خیلی دنبال این بودیم که یک قصه تأثیرگذار پیدا کنیم و در خلال آن قصه، این آمارها را ارائه بدهیم. در این بین متوجه شدیم کمپ‌های خصوصی ترک اعتیاد فعال‌اند و سراغ خونه مامان شکوه رفتیم. خونه مامان شکوه از این نظر برای ما ویژه بود که کمپی برای ترک اعتیاد دختران جوان به شمار می‌رفت. به صورت کلی، امید به ترک مواد مخدر در بین نسل‌های جوان‌تر پایین‌تر است، چرا که هنوز به ته خط نرسیده‌اند.

از 25 نفری که در یک دوره در کمپ هستند، تنها 2 نفر پاک می‌مانند. البته به نظرم این آمار در مقایسه با آمارهای بیرونی فوق‌العاده است

درباره اعتیاد فیلم‌های زیادی ساخته شده، اما یک نکته به اشتباه بیان شده و آنهم قهرمان‌سازی از آدم‌هایی است که توانستند از شر اعتیاد خلاص بشوند. این آدم‌ها استثنا اند و تنها 3 درصد از کسانی اند که برای ترک مواد مخدر اقدام می‌کنند!

ما با اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد کار داشتیم، چرا که آنها خیلی راحت احساسات خود را در اختیار ما می‌گذاشتند و خیلی راحت می‌توانستیم با آنها حرف بزیم. تعداد زیادی از آنان در این کمپ حضور داشتند. به همین دلیل اینجا بهترین مکان برای ساخت مستند برای ما بود.

آمارهایی که در فیلم می‌دهیم همان چیزهایی است که ستاد مبارزه با مواد مخدر ارائه می‌دهد

* فکر نمی‌کنید که این مستند تلخی‌های زیادی دارد؟

خونه مامان شکوه حقیقت تلخی دارد، اگرچه بسیار تلاش کردیم این تلخی را به قدری پایین بیاوریم که قابل دیدن باشد و فقط در نمایش‌های تخصصی آسیب‌شناسی دیده شود. البته از یکسو فراموش نکنید که اعتیاد در هر حالت تلخ و سیاه است و از سویی دیگر، یکی از کارکردهای مهم سینمای مستند هشدار درباره تلخی‌هاست.

من با این امید، این مستند را کار کردم که منجر به ایجاد فکر و ایده در سیاست‌های کلان بشود و از سویی دیگر فرهنگ‌سازی کند. هدفم این بود که مسئولین فکری بکنند تا جوانان و نوجوانان ما وقتی برای اولین بار در معرض مواد مخدر قرار می‌گیرند جرأت نه گفتن را داشته باشد و به اندازه کافی آگاه شده باشد.

حرف‌هایی که از زبان شخصیت‌های فیلم بیان می‌شود، همگی قابل تأمل‌اند، اما در این دو بین فکت می‌دهند که از بقیه قابل تأمل‌تر است. به ویژه آنکه اگر این موارد را به صورت تک جمله و در رسانه‌ها مطرح کنید، شاید خیلی از مسئولین بگویند اشتباه و دور از واقعیت است. اولین موضوع، هزینه بسیار اندک تهیه مواد مخدر بود که یکی از بچه‌ها می‌گفت با 5 هزار تومان مواد مخدر خریده است. صحبت دیگر نیز مربوط به کاهش سن اعتیاد است. از تعدادی از دختران حاضر در کمپ سنشان را پرسیدی که از فضا دهه هشتادی بودند. به نظر می‌رسد آمارها برای دسترسی به مواد مخدر و کاهش سن اعتیاد جدی است.

بگذارید مثالی برای شما بزنم؛ یکی از کاراکترهای اصلی فیلم در جایی می‌گوید مواد مخدر اصلی من هروئین است و برای تهیه آن باید روزانه 50 هزار تومان هزینه بکنم اما با مواد مخدری روبه‌رو شدم که با یک 5 هزار تومانی می‌توانستم نیازم را برطرف کنم. جالب اینجاست که می‌گوید فاصله از خانه بیرون آمدن من تا تهیه مواد در یک شهرستان دورافتاده 5 دقیقه بود.

در اینجا می‌خواهم 2 آمار به شما بگویم. ستاد مبارزه با مواد مخدر می‌گوید که فاصله دسترسی به مواد مخدر از خانه در پایتخت 9 دقیقه است. علاوه براین، به هزینه بسیار بسیار پایین مواد مخدر سنتی را اشاره می‌کنند که شاید به اندازه قیمت یک آب معدنی یا شکلات، قیمت دارد.

آمارهایی که در فیلم می‌دهیم همان چیزهایی است که ستاد مبارزه با مواد مخدر ارائه می‌دهد. وقتی آنها می‌گویند بیش از 97 درصد افرادی که اقدام به ترک اعتیاد می‌کنند، مجدداً درگیر مواد مخدر می‌شوند، عمق فاجعه را می‌توان دید. من فکر می‌کنم که سینماگران نیز در قهرمان‌سازی از آن 3 درصد، اشتباهاً شریک بودند. ما همراه با مهدی بخشی‌مقدم و به اندازه سهم خودمان برای نمایش واقعیت درگیر شدیم تا سهمی ادا کنیم و بگوییم دور شدن از مواد مخدر به همین راحتی‌ها نیست و به جای ترک، باید به فکر پیشگیری بود.

با مستند خود می‌خواستیم در ابتدا آن مسئول مربوطه را خطاب قرار بدهیم، سپس به دانشگاه‌ها خواهیم رفت و در نهایت اکران‌هایی را در مدارس مناطقی خواهیم داشت که به گفته ستاد مبارزه با مواد مخدر جز مناطق حساس و آسیب‌پذیر به شمار می‌روند. من مطمئنم که این دست مستندها می‌تواند اثرگذار باشد، چرا که قبلاً قدرت سینمای مستند را دیده‌ایم.

* کمی درباره خود فیلم صحبت کنیم؛ در بخشی از فیلم تلاش می‌کنید درباره خود مامان شکوه هم نکاتی را بگویید؛ او مهربان است، سخت‌گیر یا بد اخلاق؟
 شخصیت عجیبی دارد. اگر مهربان نباشد نمی‌تواند دختران را جذب کند و اگر بد اخلاق نباشد، از او حساب نمی‌برند، اما در عین حال بسیار دلسوز و زجر کشیده است و به همین دلیل این بچه‌ها را درک می‌کند. به نظرم همه وجوهی از او که در فیلم می‌بینید را لازم دارد تا بتواند فضا را کنترل کند، آنها را پاک نگه دارد و روی آنان تأثیر بگذارد. علاوه بر این، باید به آنان امید بدهد.

* وقتی در بین دختران حضور دارید، آنها راحت حرف می‌زنند، انگار که دورین وجود ندارد. حرف‌ها را قبلاً زده بودند و دوباره جلوی دورین تکرار می‌کردند یا شما مدام در حال تصویربرداری بودید که چیزی از دست نرود؟
 پاسخ به این سؤال 2 بعد دارد؛ اولاً معتقدم هنر مستندساز است که کاری کند که دورینش احساس نشود و سوژه‌ها در حضور او همانگونه رفتار کنند که در نبودش رفتار می‌کنند. رسیدن به این مرز خیلی سخت است اما باعث می‌شود که سوژه‌ها حرف دل خود را بر زبان بیاورند و از دورین نترسند. همین موضوع باعث می‌شود که فیلم غنی‌تر شود. از سوپی دیگر، تقریباً با مهدی بخشی مقدم به جایی رسیده بودیم که فاصله علم کردن دورین تا آغاز تصویربرداری مان به زیر چند ده ثانیه رسیده بود. به محض اینکه احساس می‌کردیم یکی از سوژه‌ها قصد دارد حرف جدی بزند، ضبط را آغاز می‌کردیم تا مبادا حرفی از دستمان دربرود.

سراغ پایان‌بندی فیلم برویم؛ یک واقعیت تلخ از ادامه زندگی آن دختران را مطرح کردید.

از 25 نفری که در یک دوره در کمپ هستند، تنها 2 نفر پاک می‌مانند. البته به نظرم این آمار در مقایسه با آمارهای بیرونی فوق‌العاده است.

* شما بیشتر مستندهای زیادی را ساخته‌اید که تعدادی از آنها در جشنواره سینما حقیقت جایزه هم گرفتند. برای مثال، مستند «خانه‌ای برای تو» یا «فصل هرس». هر دوی اینها پایان‌بندی امیدواری داشت و با امید تمام می‌شد، اما به نظر می‌رسد که در فیلم مستند «خونه مامان شکوه» روایت دیگری دارید؛ آیا از امید فاصله گرفتید؟
 دلیلش این است که خونه مامان شکوه برای عموم نیست و یک مستند خاص برای نمایش‌های تخصصی است. من مطلقاً تلخی را برای نمایش عمومی نمی‌پسندم اما واجب بود که مسئولین خیلی صریح و بی‌پرده با این سوژه (اعتیاد) مواجه شوند. البته بعید می‌دانم در جریان نباشند؛ فقط امیدوارم خیلی زود اتفاقات خوبی رخ بدهد.

نویسنده : امیرمسعود رائیج، تاریخ ارسال : یکشنبه 30 بهمن 1401 ساعت 9:03 بعد از ظهر